

سیمای آیت... میرزااجوادآقای تهرانی در آینه خاطرات رهبر انقلاب

پیشوای جوانان «مجاهد فی سبیل...»

و با وجود کهولت سن، در صحنه نبرد، پیشوا و همگام جوانان مجاهد فی سبیل... شد.»

تکبیرهای کار ساز یک پیر مرد ۸۰ ساله

شاید یکی از فرازهای شگفت انگیز و تأثیر گذار زندگی آیت... میرزا اجوادآقای تهرانی، حضور او در جبهه های دفاع مقدس باشد، آن هم با بیش از ۸۰ سال سن. او برای تشویق و تقویت روحیه رزمندگان اسلام، چهار بار در مناطق عملیاتی مختلف حاضر شد و خاطرات شیرین و فراموش نشدنی این حضور، در ذهن بسیاری از دلسوزان انقلاب باقی ماند. حضرت آیت... خامنه ای، در آبان سال ۱۳۶۶ و در دوران تصدی پست ریاست جمهوری، طی یک سخنرانی، به نقل روایتی از حضور آیت... میرزا اجوادآقای تهرانی پرداختند و گفتند: گاهی یک روحانی مسن و پیر مرد، اثرش از روحانی جوان بیشتر است. یکی از علمای محترم مشهد، از مستنین علمای مشهد حتما اغلب آقایان می شناسند، آقای حاج میرزا اجوادآقای تهرانی، مرد ملا، پیر مرد پشت خمیده با عصا، ایشان چند بار جبهه رفته. یک بار ایشان از جبهه برگشتند آمدند تهران، می رفتند مشهد، با بنده ملاقات کردند؛

گروه اندیشه – آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی، آن فقیه عارف با اخلاق، طی دوران حیات با برکت خود، باعث افزایش سرمایه معنوی بسیاری از علاقه مندان به ارزش های دینی و انسانی شد. او را باید از آن نمونه های عالی و دست پرور ده اسلام بدانیم که حضورشان در هر قرن و هر دوره ای، معتنم است. آن عالم ربانی، روز ۲۳ ربیع الاول سال ۱۴۱۰ ق (دوم آبان ۱۳۶۸) به دیدار معبود شتافت. رهبر انقلاب در بخشی از پیامی که به مناسبت ارتحال آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی منتشر کردند، نوشتند: «آن عالم بزرگوار و پارسا حقا از زمره انسان های والا و برجسته ای بود که عمر خود را در بندگی خدا و خدمت به خلق و مجاهدت در راه دین گذراندید و با بیان و قلم و قدم، در طریق جلب رضای الهی گام برداشت. سالیان دراز، حوزه علمیه مشهد را با درس فقه و تفسیر و عقاید، رونق بخشید و طلاب و فضلالی زیادی را مستفیض گردانید. در مقاطع گوناگون از سالیان مرارت بار نهضت اسلامی و به ویژه در حوادث دوران پیروزی انقلاب، پشتیبان و همراه مبارزین و مایه دلگرمی آنان بود. پس از پیروزی انقلاب نیز در صحنه های بسیار مهم و حساس، با حضور موثر و با برکت خود، انقلاب را تقویت کرد و از جمله در سال های جنگ تحمیلی، مکرر لباس رزم پوشید



پرونده ویژه خراسان به مناسبت سالروز درگذشت میرزااجوادآقا تهرانی

الگوی اخلاق در گفت وگو با مخالفان

جواد نوائیان رودسری – درباره آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی نوشتن، آن هم در سالروز رحلت وی، کار ساده ای نیست؛ ساده نیست، از این نظر که نمی شود همه مشخصات عالمی را که در ابعاد گوناگون، الگویی فوق العاده جذاب است، در قالب کلمات ریخت و در انداز ه ای محدود به مخاطبان فهیمی مانند خوانندگان روزنامه خراسان تقدیم کرد؛ واقعیت آن است که واژگان تاب آن را ندارند که سنگینی میزان خوب بودن انسانی چون او را تحمل کنند؛ عالمی که در عین فقاقت و اجتهاد، استاد اخلاق و معلم عرفان بودو در بازار مکاره ای که صدها مدعی، به دنبال فروش جنس تقلبی به مردم بی خبر از همه جاهستند، به دنبال عرضه ناب ترین کالای اخلاقی و عرفانی ممکن به کسانی بود که عزم سیر الی... را داشتند. آن چه در پرونده امروز روزنامه خراسان می بینید، تنها یک اشاره ه است؛ یک اشاره مختصر برای آن که در ذهن همه ماتلنگری باشد که بر انگیزخته مان کند برای شناختن دوباره میرزا اجوادآقا تهرانی.

تهران، قم، نجف

زندگی میرزا اجوادآقا حاجی ترخانی در تهران و در خانواده ای اهل دیانت آغاز شد؛ دو سال قبل از انقلاب مشروطه، یعنی در سال ۱۲۸۲ ش. زاده شدن در پایتخت ایران، بهانه ای شد که بعدها میرزا اجوادآقا را با عنوان «تهرانی» بشناسند. او پیش از ورود به حوزه علمیه، تحصیل در مدارس جدید را تجربه کرد و تا پایان دوره اول دبیرستان را در مدرسه «ثروت» گذراند، اما پدرش، حاج محمدتقی، ترجیح می داد که فرزندش به حوزه علمیه برود؛ ترجیحی که البته، با علاقه مفرط خود میرزا اجوادآقا نیز، توأمان بود. به همین دلیل، راهی حوزه علمیه قم شد و بعد از گذراندن مقدمات و بخشی از سطح، به نجف اشرف رفت؛ طی دو سالی که آن جابود، از محضر بزرگانی مانند آیت... مرتضی طالقانی و آیت... محمدتقی آملی بهره برد؛ اما دستور مادر باعث شد که میرزا اجوادآقا در حدود سال ۱۳۱۰ ش به تهران برگردد؛ آن هم در بوجوه آغاز سختگیری و اختناق قی که رضاشاه

هرگز برای دنیا ننوشت

رودسری – کسانی که در عرصه نویسندگی و تولید محتوای مکتوب دستی بر آتش دارند، می فهمند که چه می گویم؛ برخی از ما همیشه درگیر مقوله احتیاج هستتیم، گرفتاری های مالی داریم و لاجرم، بخشی از رویکردمان برای تولید، سمت و سوی سفارش به خود می گیرد و رنگ و لعاب احتیاط و مدارا روی آن می نشیند؛ اما آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی چنین نبود؛ تمام دنیای او را، دیانت و احکام شرع انور و پایبندی به آن چه خدا به آن راضی است، تشکیل می داد. به همین دلیل، در آثار مکتوب میرزا اجوادآقا هم نمی شود اثری از غیر این ها یافت؛ اثری که بوی مصلحت اندیشی بدهد و بخواهد حقیقتی را قربانی آن کند. او وقتی قلم به دست می گرفت که لازم بود؛ به ویژه زمانی که انحراف را می دید، نابینا و چاهی را مشاهده می کرد، آن وقت بود که میرزا اجوادآقا، تمام احساس و دانش خود را، با ایمانی که او را به خدا متصل می کرد، در وجود قلمش می ریخت و می نوشت و وقتی به آثارش نگاه می کنید، یکسره در دغدغه هایی را می بینید که وی در سراسر عمر در باره اش سخن گفت و برای رفع آن ها کوشید. آن چه بیش از همه، آثار آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی را بر جسته و مفید می کند، محدود به اطلاعات ذی قیمت اثر و توانمندی آن مرحوم در تدوین مطالب و به صف کردن ادله نیست، بلکه متخلخل بودن میرزا اجوادآقا به اخلاق اسلامی و تلاش او برای خارج نشدن از دایره ادب و اخلاق، متن ها را دلپذیر، قابل فهم و البته تأثیر گذارتر کرده است. موضوعی که در نگارش آثار انتقادی، باید همواره مورد توجه صاحب نظران و اهل فن قرار گیرد. شاید بد نباشد نمونه هایی از آن آثار را با هم مرور کنیم:

فلسفه بشری و اسلامی

در بیان رد مبانی مکتب کمونیسم و ماتریلیسم. موضوعی که از دهه ۱۳۲۰ به این سو، در جامعه ایرانی شایع شد و پرداختن به آن ضرورت یافت، چرا که این مرام باعث گمراهی بسیاری از جوانان شده بود.

بهائی چه می گوید؟

در بیان ادعاهای فرقه ضاله بهائیت و رد آن ها بر پایه عقلانیت و دیانت. موضوعی که پرداختن به آن، باتوجه به حمایت رژیم پهلوی از بهائیان و تکاپوهای گسترده تبلیغی آن ها در جامعه ایران، طی دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، ضرورت یافت.

عارف و صوفی چه می گویند؟

یکی از بهترین آثار در نقد مدعای صوفیه که با رویکردهای کج اندیشانه اعتقادی، اسباب گمراهی توده های مردم و به ویژه جوانان را در زمینه های عرفانی فراهم می آورد. این کتاب یکی از بهترین و متصفانه ترین آثار در این زمینه است. به قول علامه حکیمی: «بر هر کس که اهل فکر در مسائل اعتقادی است، لازم است این کتاب را – با دقت و بی پیش داوری – بخواند و در منقولات آن تأمل فراوان کند.»



علیه علما و حوزه های علمیه به راه انداخته بود.

هجرت به مشهد

میرزا اجوادآقا مدتی در زادگاهش ماند؛ اما شوق فراگیری و تکمیل علوم دینی، او را راهانی کرد. بعد از اقامتی دوساله در تهران و ازدواج، در حدود سال ۱۳۱۲ ش، راهی مشهد شد تا در حوزه علمیه این شهر به تکمیل درس بپردازد و این، شروع یک دوران متفاوت در زندگی میرزا اجوادآقا بود. در حوزه علمیه مشهد، ابتدا در درس مرحوم آیت... حاج هاشم قزوینی حاضر شد و سپس، در سال ۱۳۱۵ ش، به درس خارج فقه آیت... میرزا مهدی اصفهانی رفت و تا پایان عمر این عالم سخت کوش و متقی، یعنی تا سال ۱۳۲۵ ش و به مدت ۱۰ سال، افتخار شاگردی وی را پیدا کرد. این دوران، مصادف با واقعه کشف حجاب و محدودیت شدید حوزه های علمیه بود. با این حال، میرزا اجوادآقا مرتب در درس استادش حاضر می شد و مخفیانه و آشکارا، به سیر دانش اندوزی خود ادامه می داد و طی حدود ۵۶ سال حضور در حوزه علمیه مشهد، در ردیف برجسته ترین علمای حوزه علمیه مشهد قرار گرفت.

استاد جذاب حوزه علمیه خراسان

خامنه ای در کتاب «گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد»، میرزا اجوادآقا را از استادان برجسته حوزه علمیه مشهد می داند که به تدریس فقه و اصول، تفسیر قرآن، معارف اعتقادی و فلسفه اشتغال داشت. شاگردان میرزا اجوادآقا درباره مشی اخلاقی وی در تدریس علوم دینی و به ویژه، در عرصه نقد اندیشه های دیگران، نکات بسیار مهم و تأثیر گذاری را نقل کرده اند؛ این که وی از تقلید در مسائل علمی دوری می کرد و همواره بر بررسی دقیق و عالمانه مسائل تأکید داشت؛ این که در تمام مراحل تدریس و آموزش طلاب، بر اخلاق و توجه به معارف اعتقادی تأکید می کرد؛ این که برای همه، حتی کسانی که آرای آن ها را قبول نداشت،

حرمت فراوان قائل بود و اجازه نمی داد هیچ کس در باره آرا یا شخصیت این افراد، کلامی خلاف ادب بر زبان بیاورد و هیچ وقت دیده نشد که برای اثبات حقانیت فکر خود، به تحقیر دیگران بپردازد؛ این که اهل بحث بود و به ملامت و جوگر فرصت سوال و طرح مسئله می داد و پرسشگران را دوست داشت و آن ها را کوچک فرض نمی کرد. آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی به شدت از شهرت طلبی گریزان بود. روی کتاب های او که در زمان حیاتش چاپ شد، اثری از نام وی با پیشوند آیت... یا عالم و... وجود ندارد. مرحوم شریف رازی، نویسنده کتاب «گنجینه دانشمندان» که آن را در ۹ جلد و برای معرفی علمای شیعه به رشته تحریر درآورد، هر چه کرد نتوانست اطلاعاتی از میرزا اجوادآقا، برای درج در کتابش بگیرد. میرزا اجوادآقا تهرانی از مال دنیا بهره ای نداشت، یعنی در سراسر عمر به دنبال مال اندوزی نبود. دارایی اش به چند کتاب و اثاثیه ای ساده و محقر محدود می شد؛ تازه آن کتاب ها را هم، چندماه قبل از رحلتش، به آیت... العظمی گلپایگانی هدیه کرد. با این حال، هیچ وقت از پرداختن به امور مردم و نیازهای دیگران غافل نمی شد

و از پرداختن به مسئولیت های اجتماعی و سیاسی، شانه خالی نمی کرد. کتاب و اثاثیه ای ساده و محقر محدود می شد؛ تازه آن کتاب ها را هم، چندماه قبل از رحلتش، به آیت... العظمی گلپایگانی هدیه کرد. با این حال، هیچ وقت از پرداختن به امور مردم و نیازهای دیگران غافل نمی شد و از پرداختن به مسئولیت های اجتماعی و سیاسی، شانه خالی نمی کرد.

اگر شهید شدم...

آیت... میرزا اجوادآقا تهرانی، از همان آغاز نهضت اسلامی، با آن هم راه و همگام بود. او در جریان انقلاب و مشهد و



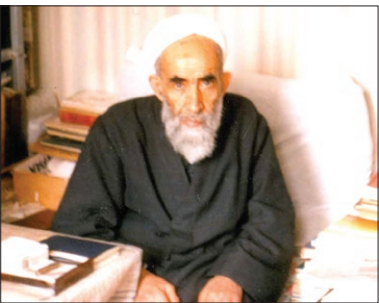
خدمت امام رسیدند. به من گفتند که من وقتی رفتم جبهه، دیدم بچه ها من را به چشم یک پیر مرد نگاه می کنند، گفتم نخیر از من هم کار بر می آید. بعد به من گفتند که پس شما پای خمپاره بیاید، آقای آقا میرزا اجوادآقا را بردند پای خمپاره. ایشان گلوله خمپاره را می انداختند توی خمپاره و پرتاب می شد و می خورد به دشمن. خب خمپاره انداز، خوب است دیگر. خمپاره زنی، یک کار رزمی، شما ببینید چقدر در روحیه این جوان ها اثر می کند، چه جانی به این ها می دهد. آن جوانی که می بیند این پیر مرد ۸۰ ساله با محاسن سفید، پشت خمیده، عصا به دست، آمده پای خمپاره ایستاده و خمپاره می زند، این جوان دیگر ممکن نیست که از مقابل دشمن برگردد عقب و احساس ترس بکند. آقایانی که بودند می داند دیگر، چون خمپاره صدا دارد و معمولا آن کسی که خودش خمپاره را می اندازد، سرش را می برد عقب و گوش ها را می گیرد، ایشان می گفت خمپاره را که می زدم، برای این که صدای خمپاره توی گوشم نیفتد، وقتی گلوله خمپاره می خواست بیرون بیاید فریاد می زدم... اکبر. منظره را مجسم کنید یک پیر مرد عالم محاسن سفیدی، پای خمپاره ایستاده هی خمپاره می زند، هی می گوید... اکبر.»

به روایت دیگران

روایت علامه محمد رضا حکیمی از مشی اجتماعی میرزا اجواد آقا

بادست خودش

به مستمندان غذایی داد



یکی از وظایف حتمی روحانی و عالم و واعظ دینی، توجه به امور مردم و نظر داشتن به مردم گرفتار و محروم و چگونگی گرفتاری ها و سختی های آنان است. اگر عالم دینی و واعظ روحانی به این امور توجه نداشته باشد، از عمل به سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) جدا گشته است و در این صورت، خواهی نخواهی، شخصی حرفه ای و دکهدار خواهد بود، نه وارث رسالت پیامبران و امامان. انسان غرق در محرومیت و پریشانی را که مسائل اصلی زندگی اش بر زمین مانده است، تو به چه چیز دعوت می کنی و فرا می خوانی؟ برو در یکی از زاغه ها، درون زندگانی یکی از خانوار های محروم، آن گاه برگرد و یک ماه – فقط یک ماه – مثل آنان زندگی کن و دختر و پسر و کودک و جوان خود را در شرایط فرزندان و کودکان آنان قرار ده ... آن وقت بین که زندگی چیست و واقعیات کدام است و عمل به احکام دین چگونه میسر است؟ ... از تصور احوال مرحوم میرزا اجوادآقا تهرانی – که خود در مشهد، اطلاع داشتم که به قشر های محروم و بی نوار سیدگی می کند و به تازگی نیز چیز هایی شنیدم – همچنان های آسانی خفته روزگار آن پیشین باز در این خامه زنده گشت و این سطور به قلم آمد و روشن است که غرض بیان کلی نیست. همیشه استثنا هست. از روحانیون برخی را نیز می شناسم که راه انبیا و اوصیا را می سپارند و غم انسان محروم را غم خود می دانند. به هر حال، هر کس چنین است، گوارایش باد و هر که جز این است، بدا به حالش، هر کس باشد، به ویژه عالم دینی و واعظ و روحانی. بنا به نص احادیث «اهتمام به امور مسلمین»، این گونه کسان از حوزه اجتماعی اسلام خارجند (مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ). مرحوم میرزا اجوادآقا تهرانی، در مسائل اجتماعی و برآوردن حوائج مردم و رفع مشکلات و گرفتاری های برادران و خواهران دینی، سعی بلیغ و اهتمام جدی داشت. تدریس و تألیف و اشتغالات علمی هرگز او را از توجه به مسئولیت های اجتماعی باز نداشت و در توصیه به شاگردان و دوستان، همواره رعايت تقوا و برآوردن نیاز مردم را یادآوری می کرد. اولین خبریه در مانی مشهد، به نام «در مانگاه خبریه بینوایان» بنا به اشاره و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشک وی، در سال ۱۳۳۴ ش تأسیس و راه اندازی شد و خود هر هفته یک شب در جلسه هیئت مدیره آن شرکت می کرد. او وجوهات شرعی قبول نمی کرد و با وجود آن، به قدر توانایی به نیازمندان کمک می کرد. گاه به همراه دبستانش در کنار بینوایان حاضر می شد و به دست خود به آن ها غذا می داد. با وجود کهولت، برای تشویق و تشجیع مدافعان اسلام و مرزهای میهن اسلامی چندین بار به جبهه جنگ نیز رفت.